

تأثیر توانمندسازی شهروندان در کاهش فساد

محمود شفیعی^۱، مسلم آقایی طوق^۲ و محمدوزین کریمیان^۳

چکیده

زمینه و هدف: فساد، زندگی افراد را به صورت‌های گوناگونی تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که بودجه‌ای به موضوعی اختصاص داده می‌شود یا برنامه‌ای برای سلامت همگانی طراحی می‌شود، امکان سوءاستفاده توسط عده قلیلی فراهم می‌شود. به نظر می‌رسد فساد می‌تواند در تمام لایه‌های زندگی جامعه کنونی، وجود چشمگیری داشته باشد، این در حالی است که در دنیای امروز، شهروندان از منابع بسیار مهم مدیریت شهری به شمار می‌آیند و بیشتر دولت‌ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خود، مشارکت شهروندان را در اولویت فعالیت‌های خود قرار می‌دهند و در کشورهای توسعه‌یافته، همگام با توسعه شهری، همواره بر توانمندسازی شهروندان به منظور جلب مشارکت و حضور آنها در فرآیند تدوین و اجرای سیاست‌ها تأکید می‌شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، ارائه سازوکارهایی برای توانمندسازی شهروندان به منظور ترغیب شهروندان به همکاری بیشتر و مشارکت فعال در کاهش فساد است.

روش: با توجه به این که پژوهش حاضر در خصوص یکی از معضله‌های مهم شهری حال حاضر انجام شد، از نوع کاربردی است و روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و روش جمع‌آوری مطالب، اسنادی است که با بهره‌گیری از منابع موجود از جمله کتب، مقالات داخلی و خارجی، رساله‌های دانشگاهی و بررسی گزارش‌های مرتبط انجام شد. یافته‌ها و نتایج: راهکارهای پیشگیرانه برای مقابله با فساد از طریق توانمندسازی شهروندان عبارت است از مهارت‌های مدیریتی توانمندسازی شده، پاسخگویی، افزایش مذاکره و اقتناع، مشارکت در برنامه‌ریزی، ایجاد خودمختاری از طریق تعیین محدوددها و مرزها، تسهیم اطلاعات میان شهروندان، درگیرکردن افراد در تعیین اهداف، تفویض اختیار، مشخص کردن چشم‌انداز آینده، بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، حمایت از شهود، گزارش‌دهنده و مخبران و اعتماد به شهروندان.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی شهروندان، فساد، راهکارهای پیشگیرانه، حقوق شهروندی.

□ استناد: شفیعی، محمود؛ آقایی طوق، مسلم و کریمیان، محمدوزین. (۱۳۹۸). تأثیر توانمندسازی شهروندان در کاهش فساد. فصلنامه

رهیافت پیشگیری، ۲(۲)، صص ۶۳-۸۰.

۱. کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، رایانامه: mahmoud.sh@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، (نویسنده مسئول)، رایانامه: moslemtoq@yahoo.com

۳. استادیار دانشکده ثبت و مدیریت قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، رایانامه: karimianmo@yahoo.com

مقدمه

فساد از جمله عوامل تضعیف کننده پیشرفت در جوامع حال حاضر تلقی می شود؛ به گونه ای که اگر این معضل رشد کند منجر به افزایش فقر، کاهش کارآمدی اداری و یا حتی منجر به سقوط دولت، انقلاب ها و حتی از هم پاشیدگی کشورها می شود. از طرفی فساد از جمله مفاهیمی است که به طور گسترده و عام معرفی شده و به سختی قابل تعریف است؛ چندان که در کنوانسیون مریدا که در خصوص مقابله با فساد تهیه و تنظیم شده است نیز تعریفی از فساد بیان نشده است. با این وجود اما به لحاظ تاریخی، فساد به معنای «گناه» دانسته شده است، اما در حال حاضر شهروندان فساد را به عنوان مجموعه رفتارهای غیر قانونی از جانب کسی که در قدرت هست؛ تلقی می کنند. در نتیجه شخصی که برخلاف وظیفه ای که موظف به انجام آن است با قصد ارائه مزایا و خدمات به اشخاص دیگر، اعمال خارج از وظیفه و بیشتر از وظیفه و البته غیر قانونی انجام دهد، «فاسد» شناخته می شود. همچنین می توان فساد را این گونه توصیف کرد که به استفاده غیر مجاز از قدرت عمومی برای منافع شخصی «فساد» بیان می شود که ممکن است نتیجه آن مالی بوده و یا مزایای غیر مالی از آن دریافت شود (زادمهر، ۱۳۹۶، ص ۵۳). فساد به عنوان یک مشکل جدی در کشورهای در حال توسعه تلقی می شود و یک پدیده موجود در ساختار دولتی، غیر دولتی (خصوصی) و حتی صنعتی است که فرایند نادرست تغییر اجتماعی را در اقتصاد، سیاست و فرهنگ یک جامعه به وجود می آورد. از طرفی با توجه به تقسیم بندی های جهانی و کشوری که وجود دارد؛ «سازمان بین المللی شفافیت»^۱ با استفاده از شاخص های درک یا احساس فساد،^۲ کشورها را بر حسب میزان فساد مقام های دولتی و سیاستمداران رتبه بندی می کند. به عبارت دیگر، این معیار، شاخصی است که رتبه فساد در بخش عمومی یک کشور را در میان سایر کشورهای جهان نشان می دهد. این شاخص ها که بر اساس میزان فساد بخش عمومی اندازه گیری شده اند دارای مقیاس صفر (بسیار فاسد) تا ۱۰۰ (بسیار تمیز) است. بر اساس آخرین گزارش سازمان بین المللی شفافیت در ماه می ۲۰۱۸، ایران امتیاز ۳۰ را با توجه به معیارهای جهانی به دست آورده است.

با این که برای مقابله با فساد و کاهش آن در سطح جامعه، راهکارهایی از جمله: توسعه اخلاق حرفه ای،

1. Transparency International

2. (CPI) Corruption Perception Index

ایجاد محیط برابر برای توسعه اجتماعی همه مردم، اصلاح نظام پرداخت حقوق و دستمزدها، برقراری نظام شایسته سالاری، شفافیت در هزینه‌های دولت به وسیله گزارش‌های دوره‌ای، اصلاح و تغییر قوانین تأثیرگذار و مانند آن، ارائه شده است، اما هر راهکار خوبی باید به طور مداوم در جامعه بروز و ظهور داشته باشد و وضع یک قانون و یا ایجاد یک رویه اداری - قضایی برای نیل به هدف بزرگی چون کاهش و یا حذف فساد، کافی به نظر نمی‌رسد؛ مگر این که شهروندان که تمام دوره‌ها و زمان‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کنند، در مقابله با فساد حضور فعال داشته باشند و حضور فعال شهروندان با «توانمندسازی» ایشان محقق می‌شود. توانایی شهروندان، به مشارکت ایشان در فرصت‌های مختلفی همچون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اطلاق می‌شود که به طور فعال در جامعه ظهور و بروز پیدا می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).
توانمندسازی شهروندی از سه منظر بررسی می‌شود:

توانمندسازی روانشناختی: در این رویکرد نظری، توانمندسازی افراد بسیار وسیع‌تر از دو رویکرد بعد و به عنوان یک حالت انگیزشی درونی در ارتباط با اهداف پیش رو، برنامه‌ریزی می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی از جمله معنادار بودن، شایستگی، مؤثر بودن و خود تعیینی است؛

توانمندسازی ارتباطی: این رویکرد به عنوان یک فرایند بالا به پایین تعریف شده و قدرت و توانایی افراد در ارتباطات جمعی با یکدیگر را نشان می‌دهد و به تقسیم قدرت رهبر و مدیر در بین زیردستان تلقی می‌شود؛ توانمندسازی انگیزشی: در این رویکرد، نیاز به کسب موفقیت موضوع اصلی تلقی شده و رسیدن به هدف توانمندسازی و تقویت خودباوری و اعتماد به نفس، از جمله لوازم آن دانسته می‌شود. **پیشینه:** پژوهش حاضر شامل سه موضوع اساسی است که هر کدام موضوع تألیف بسیاری از کتب و مقالات شده است و هر کدام اهمیت خاص خودشان را دارند. با این وجود در خصوص موضوع پژوهش حاضر تألیفی مشاهده نشده و با جستجو در پایگاه‌های علمی و آموزشی این نتیجه حاصل شد که این موضوع فاقد هرگونه پیشینه است. با این حال می‌توان در موضوع «توانمندسازی» به پژوهش دیپانارایان^۱ با عنوان «توانمندسازی و کاهش فقر؛ کتاب جامع (بانک جهانی)» و پژوهش آقایی طوق (۱۳۹۶) با عنوان «ابعاد حقوقی توانمندسازی بیمه‌شدگان» و مقالات متعددی که در خصوص توانمندسازی شهروندان، کارمندان، زنان، مادران، اهالی حومه‌نشین و مانند آنها اشاره کرد که نمونه‌هایی از آنها عبارت‌اند از پژوهش

قلی پور و رحیمیان (۱۳۸۸) با عنوان «رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» و پژوهش عباسی کارجگان و اسدی (۱۳۹۲) با عنوان «رابطه توانمندسازی شهروندان منطقه ۱۸ تهران با مشارکت در مدیریت شهری» اشاره کرد. همچنین «حقوق شهروندی» که قریب به ۱۶ سال است وارد ادبیات حقوقی ایران شده است نیز با استقبال خوبی از طرف حقوق دانان و دیگر نظریه پردازان روبه‌رو بوده و در این خصوص هم کتاب‌هایی به نگارش درآمده است از جمله کتاب‌های اسماعیلی (۱۳۹۶) با عنوان «گفتارهایی در حقوق شهری و شهروندی»، جاوید (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی و نقد پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم» و همچنین مقالات بسیاری در خصوص حقوق شهروندان، فلسفه حقوق شهروندی، نیاز و اهمیت حقوق شهروندی مانند پژوهش احمدی طباطبائی (۱۳۸۸) با عنوان «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» و پژوهش کاظمی (۱۳۸۶) با عنوان «موانع و چالش‌های تدوین لایحه حمایت از حقوق شهروندی در ایران» و یا پژوهش ترنر^۱ (۱۹۹۰) با عنوان «ترجمه: مفهوم شهروندی» و پژوهش همتی (۱۳۸۶) با عنوان «حقوق شهروندی و مشارکت در اداره امور شهر» و پژوهش ایزدی و آقامحمدی (۱۳۸۶) با عنوان «آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام آموزشی» اشاره کرد. در خصوص چگونگی «مقابله با فساد» نیز می‌توان به کتاب دادخدایی (۱۳۹۰) با عنوان «فساد مالی اداری و سیاست جنایی مقابله با آن» و پژوهش فرخ سرشت (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی عوامل موثر در بروز فساد اداری به منظور ارائه الگویی برای کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران» و پژوهش رحیمیان (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی فساد اقتصادی و راه‌های مبارزه با آن» اشاره کرد.

مبانی نظری: شهر به عنوان بستر و تجلی‌گاه حضور جامعه انسانی محل بروز ویژگی‌های جامعه شهری تلقی می‌شود. در اینجا ارتباطی دو جانبه میان جامعه (یا انسان‌ها) و فضا نمود پیدا می‌کند (کیشانی فراهانی، فرمهینی فراهانی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). از یک سو این اجتماع انسانی است که به فضا شکل می‌دهد و طی نسل‌ها فضا را با نوع و خواست خود متناسب می‌کند؛ از سوی دیگر ویژگی‌های خاص یک فضا و محیط نیز کیفیت متناسب با آن فضا را برای جامعه انسانی تعریف و فراهم می‌آورد. بنابراین اهمیت شهر را می‌توان به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان به خوبی دید، آنجایی که با توجه به شباهت‌ها

1. Turner

و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های جنسی، سنی و اجتماعی باید در شهر محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب برای همه افراد و طبق نیازهای اقشار مختلف اجتماعی فراهم آید. باید اشاره کرد که شهروندی (که یای نسبت در آن وجود دارد) در واقع حاکی از موقعیت و حالت انسانی است که بر اساس آن باید از حقوق و مزایایی برخوردار و تکالیفی را عهده‌دار شود، هر چند در دولت - شهر نباشد؛ یعنی ساکن کشور نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۷۶). در واقع، آن ویژگی که شهروندی را از پیروی صرف جدا می‌کند، وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه فقط موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی فعالانه و تأثیرگذار است. به همین دلیل شهروندان را می‌توان به دریاوردانی قیاس کرد که شریک اجتماعی هم هستند (یعنی یکی پاروزن است، یکی دیده‌بان و دیگری نگه‌دار ساکن) و همگی هدف مشترکی دارند و آن تأمین سعادت و ایمنی کشتی است؛ بنابراین هر قدر هم که وظایف شهروندی متفاوت از هم باشد، هدف آنان تأمین سعادت و ایمنی اجتماع است.

در نتیجه یکی از معانی برداشت شده از مفهوم «شهروند»، مفهومی مردم‌سالارانه است و این موضوع نشان‌دهنده این است که مردم زیر نظر حاکمیت نظام‌های دیکتاتوری، نظامی، خودکامه یا سلطنت‌طلبانه، «شهروند» به شمار نمی‌آیند، بلکه اتباع و وابستگان صرف به آن نظام‌ها تلقی می‌شوند. «شهروند» تنها در جایی به معنای واقعی و به مفهوم فعال آن وجود دارد که در موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداره محیط زندگی و شهری مشارکت فعال داشته باشد. این شرایط به خودی خود وظایفی را برای شهروندان به وجود می‌آورد که مکلف است در مشارکت‌های سیاسی رأی خود را اعلام کند؛ در مشارکت‌های اجتماعی، تکالیف گروهی محوله‌اش را به انجام رساند و در ساختارهای فرهنگی نیز مشارکت‌های لازم را داشته باشد. آنچه بسیاری از پژوهشگران به آن توجه نکردند، تعیین ضمانت اجرا برای نبود «مشارکت شهروندان» در پیشبرد جامعه است (همتی، ۱۳۸۶، صص ۴۴۶-۴۴۷).

توانمندسازی: توانمندسازی^۱ در فرهنگ آکسفورد «قدرتمند شدن» و «مجوز دادن» و «قدرت بخشیدن و تواناشدن» معنا شده است. توانمندسازی در اصطلاح عبارت است از رشد و پرورش استعدادها و ظرفیت‌های خاص شهروندان و گروه‌های مختلف شهری به منظور حضور حداکثری و مشارکت هر چه بیشتر آنها، تصمیم‌گیری و رفتار آگاهانه و مسئولیت‌پذیرانه در اعمال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

1. empower

آموزش‌های یاد شده شامل اطلاع از حقوق ابتدایی انسانی، رشد مداوم و همه جانبه اخلاق و ارزش‌های جمعی، تحلیل صلح جهانی و رفتارهای مسالمت‌آمیز فردی، برابری و عدالت اجتماعی و احترام بر تفاوت‌ها و نقاط اختلاف یکدیگر از جمله موضوعات کلی است که در این برنامه‌ریزی‌های آموزشی بیان می‌شود. بنابراین هدف «توانمندی شهروندان» عبارت است از تلاش فراوان در رابطه با حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی، توسعه کامل شخصیت انسانی و احساس شهروندی از جایگاه و مرتبه خود، رشد ادراک افراد، برابری جنسیتی و دوستی و برادری بین همه ملل، افراد بومی و گروه‌های نژادی، تقویت فعالیت‌هایی برای برقراری صلح و مانند آن. در واقع توانمندسازی شهروندان در یک جامعه باعث می‌شود که تمام اعضاء جامعه از حس شهروندی مثبت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بهره‌مند شوند. توانمندسازی موجب افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی می‌شود. بنابراین در سایه توانمندسازی است که شهروندان یاد می‌گیرند که به گونه‌ای مؤثر، در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه مشارکت داشته باشند.

نتایج سرشماری سال ۹۵ مرکز آمار حاکی از رشد ۲ درصدی جمعیت شهرها است. به طوری که این شاخص آماری از ۷۰ به ۷۲ درصد رشد داشته است و به همین میزان شهرنشینی در کلان‌شهرها نیز افزایش یافته است (بی‌نام، ۱۳۹۷، ص ۷). افزایش شهرنشینی بدون توجه به موضوع مهمی چون توانمندسازی شهروندان، اداره‌کنندگان شهرهای کشور را با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کند، در واقع یکی از دلایل شکست توسعه و مدیریت شهری، حذف نقش چشمگیر و با اهمیت شهروندان از چرخه تصمیم‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های شهری است. این در حالی است که جوامع توسعه یافته با اتکاء به ظرفیت‌های موجود در جوامع محلی و توانایی‌های شخصی شهروندان، برای تضمین ماندگاری و پایداری برنامه‌های مؤثر خویش به عنوان اساسی‌ترین سرمایه‌های ممکن اجتماعی، استفاده‌لازم را می‌برند؛ چندان که نتایج این استفاده را می‌توان در میزان پیشرفت این جوامع نظاره‌گر بود (پرهام، ۲۰۱۷، ص ۸). در زبان و ادبیات فارسی برای اصطلاح «توانمندسازی» از واژه‌هایی مانند «قدرتمندسازی، کارآمدسازی، تواناسازی و توان‌افزایی» نیز استفاده می‌شود؛ اما واژه «توانمندسازی» بیش از سایر اصطلاحات عمومیت یافته است. ضرب‌المثل مشهوری که یاد دادن ماهیگیری را به جای هدیه دادن ماهی به نیازمندان تأکید می‌کند، تا حد زیادی معادل مفهوم توانمندسازی است که امروزه بر آن تأکید می‌شود (اسدی محل چالی، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

فساد: در عصر حاضر مبارزه با فساد در تمام ابعاد آن، مدنظر کشورها قرار گرفته است به طوری که کشورها را به سمت همکاری بین‌المللی و مبارزه با فساد در عرصه داخلی هدایت کرده است (نرگسیان، جمالی، هراتی و آذری، ۱۳۹۷، ص ۲۹۰). این رویه از این موضوع سرچشمه می‌گیرد که مقوله فساد در هر جامعه‌ای که باشد پیامدهای ناگواری از جمله بهره‌وری، کند کردن حرکت توسعه کشور، افزایش هزینه زندگی مردم و تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت، اتلاف منابع مالی، به مخاطره انداختن امنیت جامعه، گسترش رفتارهای ناقض حقوق بشری و زیر سوال بردن حاکمیت قانون را در بر دارد. شاید گویاترین تفسیر از نتایج فساد را جیمز ولفنسون^۱، ریاست بانک جهانی ارائه کرده باشد؛ وی اعلام کرد که فساد، مهمترین سد در مقابل توسعه طولانی مدت و پایدار است، بنابراین اگر چنین بیان شود که مهمترین ویژگی فساد، «خوی تهاجمی» آن و گسترش آن از یک بخش حکومت به بخش‌های دیگر است، منظور بهتر رسانده می‌شود.^۲ فساد را نباید «هزینه جانبی» اداره جامعه در دنیای معاصر دانست و این گونه تصور کرد که تنها باید فساد را تحمل کرد. فساد مشکل و عارضه‌ای است که هر چند نمی‌توان آن را به صورت مطلق از بین برد، ولی به شرط شناخت دقیق و علمی، می‌توان آن را تا حد قابل قبولی محدود کرد.

یک تعریف «همه پسند» از پدیده فساد موجود نیست (پارسا، ۱۳۹۶، ص ۴۴). به همین دلیل در هنگام مذاکرات، تهیه و تدوین ابتدایی کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد در اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی، یکی از موضوعات قابل بحث و چالشی همین تعریف فساد بوده است؛ به گونه‌ای که در پایان تنها به جای تعریف آن به انواع و مصادیق این مقوله اشاره شده است (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). این در حالی است که چند سال پیش از تصویب این کنوانسیون، در کنوانسیون حقوق مدنی در رابطه با فساد که شورای اروپا در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسانده بود، فساد این گونه تعریف شده است: «درخواست، پیشنهاد، اعطاء یا پذیرش رشوه یا هر امتیاز غیرقانونی دیگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم که موجب مخدوش یا منحرف شدن انجام صحیح وظایف یا مسئولیت‌های دریافت‌کننده رشوه شود یا امتیازات یا عواید غیرقانونی برای او داشته باشد».^۳ در هر صورت اما برای آشنایی بیشتر باید بیان کرد که کلمه «فساد»

1. James Wolfensohn

۲. از این رو است که به صورت تمثیلی فساد در جامعه در سرطانی در بدن انسان تشبیه شده است.

3. Civil Law convention on corruption, council of Europe, Strasburg, 1999.

از ریشه «فَسَدَ» بوده که در تعریف آن به نوعی ایجاد سد و مانع برای انجام اعمال درست و سالم اشاره شده است. حال آن که با ایجاد موانع ممکن است قوانین و مقررات نقض شوند و به قواعد عام و اصلی توجه نشود. در این معنا فساد به هر پدیده‌ای اطلاق می‌شود که مجموعه منظم و قانون‌مند را از اهداف و کارکردهای پیش‌بینی شده و مشخص خود باز دارد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲). ریشه فساد^۱ فعل لاتین به معنای «شکستن»^۲ است. بنابراین فساد یعنی آنچه که می‌شکند یا نقض می‌شود و ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا اغلب مقررات اداری باشد (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، «فساد» را این گونه تعریف کرده است: «فساد در این عمده قانون هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد کند، نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی».

روش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش پژوهش، توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری مطالب، اسنادی است که با بهره‌گیری از منابع موجود از جمله کتب، مقالات داخلی و خارجی، رساله‌های دانشگاهی و بررسی گزارش‌های مرتبط انجام شد.

یافته‌ها

بسترهای لازم برای توانمندسازی شهروندان را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

۱. آموزش حقوق شهروندی: شهروندی و آموزش شهروندان از دیرباز با مفهوم دولت - ملت، حاکمیت

1. corruption

2. Rumpere

و مشروعیت سیاسی، هویت ملی، عضویت و حقوق اجتماعی در ابعاد ملی کشورها همبستگی داشته است. در نتیجه یکی از مهم‌ترین مبانی شهروندی «حق دانستن» است. حق دانستن به شهروندان این امکان را می‌دهد تا از وضعیت تابعیت صرف، به سطحی بالاتر یعنی شهروندی منتقل شود. در این جایگاه وی دیگر یک متعهد و فرمانبردار (سلطه‌پذیر) برای اجرای اوامر و نواهی مدیران و مسئولان کشوری و محلی نیست، هر چند این مقامات خیرخواه باشند؛ زیرا وی با «دانستن» می‌داند و می‌تواند از چند و چون مسائل اجتماعی و سیاسی آگاه شود و از این حیث توانایی تصمیم‌گیری و نظارت بر آنچه را برای او یا به نام او صورت می‌گیرد، کسب خواهد کرد. بند دوم اصل سوم قانون اساسی برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» می‌کند. در این راستا قانونی با نام «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون دانستن حق مردم و تکلیف دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی است و تصریح شده «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد».

در خصوص محتوای آموزشی حقوق شهروندی به شهروندان جامعه ایرانی باید به این نکته اشاره کرد که هر شهروند باید بتواند به طریقی آسان، مناسب و در شأن خودش از حداقل دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مهم در دنیای معاصر اطلاع پیدا کند پس یک شهروند باید مهارت‌های اجتماعی و مشارکتی به منظور توانایی برقراری مؤثر با دیگر شهروندان را بیاموزد؛ زندگی اجتماعی را درک کند و احترامی ذاتی و البته جدی در مقابل دیگر شهروندان داشته باشد و این موضوع را باید از راه‌های مسالمت‌آمیز و غیر خشن پیش ببرد؛ انتخاب‌ها و رفتارهایشان باید علمی و در صورت لزوم انتقادی باشد و در ابعاد مختلف آزادی با دیگر شهروندان مساوی تلقی شوند (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۸). این موضوعات تنها بخشی از پیش شرط‌های محتوای آموزش شهروندی دانسته می‌شود.

۲. دسترسی آزاد به اطلاعات: مبارزه با فساد مستلزم ابزارهایی است، که دانش حقوقی یکی از همین ابزارها است. با توجه به وضوح ناکافی و اعتماد کم به نهادهای دولتی، تخصص مراکز مشاوره ضد فساد می‌تواند به شهروندان کمک کند. انتشار اطلاعات و دسترسی شهروندان به اطلاعات به هنگام، صحیح و در قالب مناسب از جمله پیش‌نیازهای تحقق واقعی حقوق شهروندی است. به همین دلیل است که هنگام

بحث درباره حق بر دانستن و آگاهی، آن را به عنوان ابزاری لازم برای نیل به دموکراسی و حکومت آزاد در نظر گرفته‌اند. در دولت‌های رازمند که مأموران دولت بیشترین اطلاعات و مردم کمترین اطلاعات را در اختیار دارند، مردم دچار ضعف روزافزون می‌شوند. در این خصوص، حتی کسانی که به مکتب آنارشیسم تعلق دارند نیز از آگاهی و دانش حمایت می‌کنند (آقایی طوق، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲).

۳. شفافیت: شفافیت موضوعی است که متعاقب آزادی مطبوعات، آزادی بیان و اطلاعات رشد می‌کند. هدف این برنامه، در معرض عموم قرار دادن کلیه فعالیت‌های مربوط به جامعه است (انصاری، ۱۳۹۷، ص ۳۵)¹. در نتیجه شفافیت به منزله آن است که به گونه‌ای عمل کنیم که دیگران بتوانند به آسانی فعالیت‌هایی که انجام می‌شود، مشاهده و ارزیابی کنند و اشکالات رفتارها را به صورت قاعده‌مند و اصولی بیان کنند. این موضوع نیازمند گشایش دسترسی، ارتباطات و پاسخگویی است. این در حالی است که نقطه مقابل امر شفافیت، اطلاع‌رسانی گزینشی، مقطعی و همراه با دستکاری در موضوعات است، به این رفتار، «اداره اسرارگرایانه فعالیت» گفته می‌شود.

فرهنگ اسرارگرایی، فرهنگ غالب در کشورهای در حال توسعه و کلیه کشورهای است که در آنها فساد شایع است. نتیجه این روند این است که آگاهی مردم از چند و چون جامعه ضرورت ندارد مگر در حدی که مقامات، مسئولان و مدیران صلاح بدانند؛ این فرهنگ سیاسی به این سمت حرکت می‌کند که فعالیت‌های کشوری و کشورداری باید از عوام الناس پنهان بماند و افشا نشود. پرهیز از افشا و بیان این موضوعات، تأثیرات نامطلوبی بر حکومت و جامعه دارد که از آن جمله می‌توان به رشد و ترویج فساد در جامعه اشاره کرد. شفافیت رابطه بسیار تنگاتنگی با فساد و ناکارآمدی دارد. به میزانی که شفافیت در یک سیستم کمتر باشد، آن سیستم درگیر فساد و ناکارآمدی بیشتری خواهد بود (انصاری، ۱۳۹۷، ص ۳۷)². شفافیت همچنین با مسئله مشروعیت یک سیستم ارتباط مستحکمی دارد، هر چه سیستم شفافیت بیشتری داشته باشد، رضایت مردمی و عمومی و اعتماد اجتماعی بیشتری کسب کرده و در نتیجه مشروعیت آن افزایش می‌یابد (بی‌نام، ۱۳۹۷، ص ۵).

۴. دادگاه‌های شیشه‌ای: شفافیت و علنی‌سازی موجب افزایش نظارت همگانی مردم می‌شود، که به این

۱. شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که شکل حقوقی نیز به خود گرفته است و مفهوم شفافیت از لایه‌های مختلف و پیچیده‌ای تشکیل شده است که دسترسی عمومی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، یکی از این لایه‌ها و عناصر شفافیت است.

ویژگی «جمع‌سپاری» اطلاق می‌شود. بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی، تمام محاکمات باید علنی برگزار شود و حضور افراد هم در دادگاه آزاد است؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن جلسات رسیدگی، منافی مصلحت نظام، عفت عمومی یا نظم عمومی باشد و یا این که در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد. با این وجود اما این اصل از قانون اساسی در دادگاه‌ها به دلایلی مثل کمبود ظرفیت برای مراجعان و یا بدون دلیل اجرا نشده و قضات محاکم از اجرای آن سر باز می‌زنند. نتیجه این خودداری قضات از برگزاری دادگاه علنی، چیزی جز انزوای این اصل اساسی در دادگاه‌ها نیست. در حال حاضر در بسیاری از دادگاه‌های جهان، علنی بودن جلسات دادگاه و یا آرای دادگاه‌ها به یکی از کارآمدترین روش‌های مبارزه با فساد دستگاه‌های قضایی در آن کشورها تبدیل شده است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸)، که در نتیجه به ارتقای عملکرد قضایی و مبارزه با بی‌عدالتی از طریق نظارت مستقیم مردم و درخواست گزارش‌های مردمی و بازخواست جمعی، کمک زیادی کرده است.

علنی‌سازی آرای قضات به این شکل است که با ایجاد یک سامانه الکترونیکی در فضای مجازی، تمام پرونده‌های قضایی که رسیدگی به آنها پایان یافته است، به صورت آزاد در دسترس افکار عمومی گذاشته می‌شود تا شرح حال پرونده و شیوه استنتاج قضات در معرض بررسی و قضاوت عمومی شهروندان قرار گیرد. در بسیاری از کشورها این شیوه علنی‌سازی، سال‌هاست که اجرا می‌شود. در بسیاری از کشورها این شیوه علنی‌سازی سال‌هاست اجرا می‌شود. در کشور فرانسه از سال ۱۸۳۰ تا به امروز - نزدیک به دو قرن - است که کارشناسان و شهروندان مطلع، به نقد و بررسی آرای دادگاه مشغول هستند. در کانادا نیز سامانه‌ای^۱ وجود دارد که همه آرا از تمام شعبات دادگاه‌های سراسر کشور، تنها دو روز پس از صدور، در آن ذخیره می‌شوند و قابل مشاهده و بررسی هستند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸).

۵. افزایش مشارکت شهروندان: توانمندسازی شهروندان، از جمله راه‌های کاهش فساد است. زیرا مردم، بهترین ناظر برای انجام درست فعالیت‌ها هستند. همه افراد جامعه یا سازمان معینی موظف‌اند بر اساس وظایف محول شده خود بر عملکرد دیگر اعضا و عملکرد مدیران و مسئولان نظارت داشته باشند. این نحوه نظارت را می‌توان یکی از لوازم توانمندسازی شهروندان از طریق تقویت مشارکت ایشان دانست، تا از این طریق بتوان با فساد مقابله کرد. این راهکار زمانی موفق و ممکن است که از تمام استعدادها و

1. Canl ii.

توانایی‌های خلاقانه شهروندان، بهترین استفاده‌ها به عمل آید. پس از توانمندسازی شهروندان، و آموزش شهروندی و آزادی اطلاعات، باید موقعیت را به گونه‌ای برای آنها فراهم کرد تا چنین برنامه‌ریزی‌هایی به منصف ظهور گذاشته شود و نتایج قابل مشاهده باشد. بنابراین به ابعاد مختلف «مشارکت شهروندی» پرداخته خواهد شد.

الف: اعتماد به شهروندان: پیش از هر موردی باید به این موضوع اشاره کرد که شخصیت انسان‌ها همچون منابع دست نخورده‌ای هستند که تا کشف نشوند؛ خود را نشان نمی‌دهند. بنابراین وقتی شهروندان به این نتیجه برسند که مدیران به آنها اعتماد دارند و می‌خواهند از افکار و توانایی‌هایشان استفاده کنند، احساس مسئولیت در آنها تحریک می‌شود. چنان که گویی آنها منتظر فرصت بوده‌اند تا خود را با تمام وجود وقف آن سازند (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۶۹). تا چنین حسی در شهروندان ایجاد نشود که به آنها اعتماد وجود دارد، آنها حرکتی برای مشارکت نمی‌کنند.

ب: مشارکت در برنامه‌های پیشنهادی: توجه صرف به افزایش مشارکت شهروندان راه به جایی نمی‌برد، باید برنامه‌ها را که مجموعه‌ای از تلاش‌های جمعی ایشان برای مقابله با زیان‌های اجتماعی و راهکارهای پیشبرد وضع موجود است را داخل در برنامه‌های از قبل تعیین شده کرده و از عموم شهروندان بخواهیم به نقد این برنامه‌ها بپردازند. از این طریق می‌توان هم برنامه‌ای که مقبول اکثریت شهروندان است را تدوین کرد و هم برنامه‌های بدون ایراد را به اجرا در آورد (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۹۲). این نوع رفتار که از مشارکت شهروندان در امر برنامه‌ریزی سرچشمه می‌گیرد، با اعتقاد به این است که در این رویه در هزینه‌های طراحی صرفه‌جویی بسیاری خواهیم داشت، همچنین به دلیل مشارکت همگانی، بهره‌وری برنامه‌ها بیشتر می‌شود و در آخر نیز رشد کمی و کیفی ایده‌پردازی شهروندان را به دنبال خواهیم داشت. باید توجه کرد که برنامه‌های ارائه شده از طرف سازمان‌های مرتبط با فساد، شاید از رتبه‌های علمی مناسبی برخوردار باشند، اما چون این شهروندان هستند که اجراکننده برنامه‌ها دانسته می‌شوند، برنامه‌ها باید بیشتر قابلیت اجرایی داشته باشند و نمی‌شود رویه‌ای را در نظر بگیریم که در آن شهروندان نتوانند آنها را به اجرا در آورند؛ در حالی که شهروندان به طور قطع برنامه‌های پیشنهادی خود را در حد توان اجرا می‌کنند و نتایج خوبی را شاهد خواهیم بود.

ج: مشارکت در هدف‌گذاری: یکی از زیر مجموعه‌های دیگر مشارکت شهروندی، را می‌توان مشارکت در

هدف گذاری دانست. این موضوع در صورتی است که از استعدادها و نیروی خلاق شهروندان بیشترین استفاده شود تا بتوان از این منابع مهم برای هدف گذاری و تعیین اهداف پیش رو به صورت مدیریت شده بهره برداری کرد (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۸۸).

در خصوص این نوع مشارکت نیز باید بیان کرد که مشارکت شهروندان موجب تولد حس تعهد و مسئولیت پذیری در شهروندان می شود به گونه ای که وقتی یک هدف، مطلوب اجتماعی شهروندان دانسته شود در این حالت برای دستیابی به اهداف مشخص شده، تلاش بیشتر شهروندان را در پی دارد، به گونه ای که دیگر اهداف دشوار نیز چون نوعی علاقه در تعیین آنها بوده است، دشوار دانسته نمی شوند و به آسانی پیش برده خواهند شد. این موضوع در حالی است که علاوه بر پیشبرد برنامه ها و رسیدن به اهداف تعیین شده نوعی حس غرور و افتخار نیز در شهروندان رشد خواهد کرد که نقد و نظر آنها مدنظر شخص و یا سازمان های مدیریتی قرار گرفته است.

د: مشارکت در چشم انداز آینده: مشخص کردن برنامه های آینده بدون مخفی کردن از شهروندان و درخواست حضور فعال آنها موجب می شود تا ضمن اطلاع از مقاصد پیش رو، وظایف و جایگاه های هر شخص برایش معین شود و برای دستیابی به هدف تعیین شده تمام تلاش خود را به عنوان مهره مهم این برنامه انجام دهد. وقتی چشم اندازها از بین بردن ترتیبی انواع فساد در جامعه با توجه به اهمیت آنها باشد، نوعی نظم دهی به رفتارها را به دنبال دارد، در ادامه این رفتارها، پویایی و هدف مندی نیز نقش خود را ایفا می کنند و در آخر نیز کاهش هرچه بیشتر میزان تنوع فساد در سطح جامعه حاصل خواهد شد، بنابراین مشارکت شهروندی در تعیین چشم اندازهای آینده به دلیل نقش کلیدی در توانمندسازی شهروندان بسیار قابل توجه و تأمل است (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۸۹).

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده در این پژوهش، این نتیجه به دست آمد که مقوله «توانمندسازی» از جمله علل مهم و تأثیرگذار نهادینه شدن حقوق شهروندی است زیرا نهایت این امر استحکام مردم سالاری و مشارکت هرچه بیشتر و با ثبات تر شهروندان است. چنین ترتیبی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی در افراد به وجود می آورد که اوج آن و محل مانور آن دوران

«جوانی» است. پویایی و نشاط یک جامعه به مشارکت فعالانه نسل جوان یک جامعه بستگی دارد. نسل جوان باید به سطحی از آگاهی و اطلاع برسد که مشارکت همه جانبه در امور محوله داشته باشد و نقش شهروندی خود را به خوبی ایفا کند و در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیندیشد و عاقلانه برای حل آنها تصمیم‌گیری کند.

علاوه بر آموزش و پرورش روحیه فعال و پویا، باید به موضوع دیگری نیز توجه داشت که همچون کفه دیگر ترازوی توانمندسازی شهروندان تلقی می‌شود و آن دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات و ارائه اطلاعات و آگاهی درباره مسائل عمومی جامعه در ابعاد محلی، ملی و جهانی است. نتایج عجیب و باورنکردنی را می‌توان فقط با دادن اطلاعات به شهروندان برای انجام وظایفشان و همچنین اعطای آزادی به آنها برای بکار بردن اطلاعات به دست آورد؛ یعنی اطلاعات لازم به آسانی در اختیار شهروندان قرار گیرد تا باعث اعتماد به نفس و آگاهی آنان از وضعیت فعال سازمان شده، موجب تحکیم فرهنگ اعتماد و همدلی شود. اشتراک اطلاعات، این موضوع را به هر یک از شهروندان می‌فهماند که حاکمیت به این اشخاص اعتماد کافی داشته و هدف اصلی آن استفاده از دانش و استعداد ایشان است. به گونه‌ای که اگر یک شهروند به تمام اطلاعات دسترسی پیدا کند نوعی احساس مالکیت به وی دست می‌دهد که به دنبال آن می‌تواند بهتر فکر کند، بهتر تصمیم بگیرد و در بهترین حالت فعالیت کند. این استدلال از آنجایی گرفته شده است که وقتی فرد مالک یک «چیز» به عنوان مثال یک شرکت باشد، به واسطه علقه خاصی که پیدا کرده است و بار مسئولیتی که بر دوش خود احساس می‌کند، با کنار هم گذاشتن اطلاعات می‌تواند به صورت مالکانه رفتار کند تا جهت پیشرفت آن شرکت قدم بردارد.

موضوع دیگری که باید بدان توجه داشت «اجرای برنامه‌های مشارکتی» است. مقوله‌ای که بدون آنها توانمندسازی شهروندان بی‌اثر دانسته می‌شود. در این حالت که همه شهروندان در مقابل فراخوان‌های اعلام شده از طرف دولت متبوعه، شروع به مشارکت در مسائل مختلف می‌کنند. ممکن است بحث در خصوص برنامه‌ریزی شهری باشد و نحوه مقابله با مشکلاتی چون رشد فساد؛ ممکن است دعوت به منظور طراحی اهدافی مهم برای پیشبرد و برون‌رفت از وضعیت موجود باشد که از آن‌ها می‌توان به ریشه‌کن کردن فساد اشاره کرد و یا مشارکت در چشم‌اندازهای مختلف آتی. در تمام این موضوعات باید توجه کرد که حضور مشارکتی شهروندان به منظور پرهیز از تمرکز قدرت باشد. قدرتی که به طور قطع فسادآور

است باید کنترل شود و به نفع جامعه به اجرا درآید. قدرت را باید شهروندان توانمند داشته باشند نه مدیران سوءاستفاده‌گر و افرادی که با فسادهای مختلف روی کار آمده‌اند و در حال فعالیت هستند. از طرفی برای تشویق هرچه بیشتر شهروندان برای حضور مشارکتی بیشتر باید به موضوع قدردانی، تشویق و پاداش آنها نیز توجه داشت تا با تلاش‌های دوچندان به ادامه مسیر بپردازند.

رشد فساد نیز نشان‌دهنده این است که اگر دولت‌ها بتوانند وظایف اصلی خود را به خوبی و در چارچوب قانونی و با عنایت به برنامه‌های توانمندی انجام دهند و به همین منظور دسترسی شهروندان را به بسیاری از موضوعات مختلف که بر رشد حقوق شهروندان در ابعاد مختلفی چون پرداخت مالیات، نگهداشت اموال عمومی، رعایت بهداشت، چگونگی رویارویی با رخدادهای مانند آن، تأثیرگذار هستند، ممکن سازند و پس از آن برای تعامل بیشتر با شهروندان، آموزش‌های لازم را بدهند و موضوع را برایشان شفاف کنند، کاهش تدریجی فساد در سطح جامعه از طریق توانمندسازی شهروندان محقق خواهد شد. شهروندان بی‌بهره از این آگاهی‌ها و ناآشنا به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود، نه می‌توانند حلال مشکلات خود باشند، و نه مشکلی از دوش دولت و هم‌نوعان خود بردارند. بدین گونه، بهتر است در جوامعی که قصد توانمندی دارند، امکانات و ابزارهایی برای آموزش شهروندان و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان فراهم آید. بنابراین در پایان می‌توان به چنین نکته‌ای اشاره کرد که به منظور موفقیت هر چه بیشتر برنامه‌های پیشرفت شهری و به خصوص مقابله با مقوله فساد، به صورت کاهش آن، درگیری شهروندان با این موضوع باید در اولویت قرار گیرد؛ درگیری با استفاده از دو عامل آگاهی و دسترسی به اطلاعات. در واقع آموزش‌های شهروندی، می‌تواند سطح آگاهی شهروندی یا فرهنگ مدنی ایشان را افزایش دهد تا پس از ایجاد ساختارهای توسعه‌ای اطلاعات به منظور مشارکت و بهره‌مندی از تمام شهروندان بتوان یکی از اهداف دیرینه جوامع که مقابله با فساد است را به صورت جمعی کاهش داد و حتی حذف کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود اقدامات زیر برای توانمندسازی شهروندان به منظور کاهش فساد انجام شود:

۱. آموزش حقوق شهروندی به منظور توانمندسازی شهروندان برای اطلاع از حقوق ابتدایی شهروندان و مسئولیت‌های محوله به ایشان؛

۲. برنامه‌ریزی مدون آموزش‌ها برای ایجاد فرصت‌های ممکن به منظور اجرای توانمندسازی شهروندان؛
۳. تبادل اطلاعات مالی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی مفید، لازم و کافی برای افزایش سطح معلومات شهروندان، در حیطه مباحث ضد فساد؛
۴. شفافیت‌زایی در معامله‌های کلان ملی، دولتی و عمومی خاص و همچنین در سیر رسیدگی‌های قضایی و رفتارهای دیپلماتیک سیاسی برای مقابله با فساد؛
۵. ایجاد محیط امن برای فعالیت‌های مشخص و معین شهروندان توانمند، برای تدوین برنامه‌های مقابله‌جویانه با فساد در اجتماع.

فهرست منابع

- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۳(۸)، صص ۳-۱۸.
- احمدی، اصغر و توکلی، محمود. (۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، صص ۷۴-۸۱.
- احمدی، فخری سادات. (۱۳۹۳). شهروندی و مشارکت مدنی: بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرآیند تحقق حقوق شهروندی (مورد مطالعه: شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- اسدی محل چالی، مسعود. (۱۳۹۴). توانمندسازی اجتماع‌محور در راستای تحقق حکمروایی خوب شهری. تهران: آرمانشهر.
- اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۶). گفتارهایی در حقوق شهری و شهروندی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۷). حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی. فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۳(۳۵)، صص ۲۷۵-۲۹۶.
- ایزدی، صمد و آقامحمدی، علی. (۱۳۸۶). آموزش شهروندی، حقوق انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام آموزشی، چاپ اول. تهران: نشر مرکز مطبوعات و انتشارات.
- آقایی طوق، مسلم. (۱۳۹۶). ابعاد حقوقی توانمندسازی بیمه شدگان. تهران: آوش.
- بی‌نام. (۱۳۹۷). مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه. خیرنامه شفافیت و مقابله با فساد. تهران: پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی.
- پارسا، یاشار. (۱۳۹۶). ریشه فساد در ایران: واکاوی فساد قضایی و چگونگی گسترش سرطانی آن در کشور. نیویورک: ایران آکادمیا.
- پرهام، رامین. (۲۰۱۷). مرکز آموزش شهروندی، نقش شهروند. نیویورک: انتشارات الکترونیکی توانا.
- تانزی، ویتو. (۱۳۷۸). مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، بهمن آقایی، مترجم. اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۱۴۹-۱۵۰)، صص ۱۸۲-۱۸۹.

- جاوید، محمدجواد. (۱۳۹۵). بررسی و نقد پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم. تهران: مخاطب.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۵). مبسوط ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- دادخدایی، لیلا. (۱۳۹۰). فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: میزان.
- دادگر، حسن. (۱۳۸۳). فساد مالی. تهران: کانون اندیشه جوان.
- زادمهر، رامین. (۱۳۹۶). نقش فرهنگ سازمانی، تعهد و وفاداری سازمانی در مقابله با فساد اداری و مالی. نشریه علمی پژوهشی و اطلاع‌رسانی مدیریت، (۱۹۰)، صص ۲۵-۴۴.
- عباسی کارجگان، داود و اسدی، محمودرضا. (۱۳۹۲). رابطه توانمندسازی شهروندان منطقه ۱۸ تهران با مشارکت در مدیریت شهری. اقتصاد و مدیریت شهری، (۳)، صص ۷۵-۹۳.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی کنوانسیون ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد علیه فساد با حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
- قلی‌پور، آرین و رحیمیان، اشرف. (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه رفاه اجتماعی، (۴۰)، صص ۲۹-۶۲.
- کاظمی، سیدعلی. (۱۳۸۶). موانع و چالش‌های تدوین لایحه حمایت از حقوق شهروندی در ایران. مجله حقوقی دادگستری، (۵۸)، صص ۱۱۹-۱۳۴.
- کیشانی فراهانی، عزت‌الله و محسن فرمهینی فراهانی، اکبر. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی. فصلنامه مطالعات ملی، (۴)، صص ۵۲-۶۳.
- محمدی، مجید. (۱۳۷۸). جامعه مدنی ایران. تهران: انتشارات مرکز.
- نرگسیان، عباس؛ جمالی، قاسمعلی؛ هراتی، مسعود و آذری، حسین. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان. فصلنامه مدیریت دولتی، (۲)، صص ۲۹۰-۳۰۵.
- نوروزی، مجتبی. (۱۳۸۴). توانمندسازی کارکنان. کنترلر، (۱۹)، صص ۲۱-۳۹.
- همتی، مجتبی. (۱۳۸۶). حقوق شهروندی و مشارکت در اداره امور شهر. مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی.
- فرخ سرشت، بهزاد. (۱۳۸۳). بررسی عوامل موثر در بروز فساد اداری به منظور ارائه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران. دانش مدیریت، (۶۶)، صص ۶۵-۸۴.
- رحیمیان، نرگس. (۱۳۹۳). بررسی فساد اقتصادی و راهی مبارزه با آن. مجله اقتصادی، (۹ و ۱۰)، صص ۱۰۳-۱۱۶.

Narayan, D. (2005). *Measuring Empowerment, Cross-Disciplinary Perspectives*. Washington, D. C: The World Bank.

Turner, s. brayan. (1990). *Outline of a Theory of Citizenship*, sociology, 24(2), pp 189-217.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی